

گزارش نشست اقوام در ایران

هوشمند: ایران کشوری کثیرالمله نیست

صدری نیا؛ با وجود حکومت طوایف ترک تبار در ایران، زبان فرهنگی وارتباطی همواره فارسی بوده است

گزارش: **امیرحسین جهانی**

نامیده شود. با نامیدن آن سوی ارس به نام آذربایجان حکومت ایران که خیلی ضعیف بود اعتراض کرد اما سخشن به جایی نرسید.

صدری نیا در ادامه گفت: رشد این نوع ناسیونالیسم ایده دیکتاتوری مصلح را در پی آورد و بعدها در قامت رضا شاه پهلوی تجدد امرانه را در دستور کار قرار داد اما کسانی چون مشیرالدوله، مدرس، مصدق، بهار و تقی‌زاده گماکان در پی ناسیونالیسم معتدل و دموکراتیک بودند و در کشمکش با آن جریان تندرو در نهایت میدان را واگذار کردند. نباید نفوذ و تأثیر ایده ناسیونالیسم آلمانی را از نظر دور داشت. به هر حال رشد دو جریان افراطی در عثمانی و سپس ایران مسئله را به شرایط بحرانی می‌رساند که پیامدهای آن گماکان دامن‌گیر ما هست.

صدری نیا با اشاره به تحولات تاریخی قفقاز در آستانه جنگ نخست جهانی گفت: عثمانی در خلال جنگ جهانی اول با سقوط تزارها وارد قفقاز شد و برای مسلمانان قفقاز که تا آن روز به همین نام از آنها یاد می‌شد، دولت مساوات را به رهبری رسول‌زاده شکل داد و علی‌رغم اسناد تاریخی نام آذربایجان بر آن گذاشت که مورد تعجب و انتقاد ایرانیان قرار گرفت. آقای کاوه بیات در کتاب آذربایجان در موج خیز تاریخ این واکنش‌ها را آورده است. بعدها با شکست عثمانی و آمدن بلشویک‌ها حکومت مساوات از این ریف نام کمونیست‌ها با نیت سوء خود از این نام برای اهداف آینده خوششان آمد و آن را حفظ کردند و در دوره باقوف در شکل فرقه دموکرات نیات خود را آشکار کردند.

صدری نیا در بخش پایانی سخنان خود گفت: باید به سمت شهروندمحوری حرکت کنیم. شهروند ایرانی باید حق داشته باشد. دنیا از این دیوارکشی‌ها و جدایی‌خواهی‌ها عبور کرده و به سمت وحدت می‌رود. این اندیشه‌ها مربوط به قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم است. ما هم باید از آن عبور کنیم و باید روی مسائل و مطالبات اقوام گفت‌وگو کنیم. معتقدنم نوعی از نظام شورایی دموکراتیک مردمی با وضع ایران سازگار است، اما فدرالیسم به برادرکشی منجر خواهد شد. مسائل را نباید تابو کرد. باید صاحب‌نظران نظر بدهند. هیچ سیستمی تابو نیست. با بستن دهان‌ها زمینه برای تولید استبداد فراهم می‌شود که باید از این مسئله اجتناب کرد.

در ادامه برنامه احسان هوشمند، پژوهشگر مسائل قومی، به طرح نظرات و دیدگاه‌های خود پرداخت. هوشمند در ابتدای سخن با اشاره به اتفاقات و درگیری‌های قومی اوایل انقلاب به‌ویژه در کردستان و شهر قروه که خود در کودکی شاهد آن بوده که درگیری‌های قومی خوبی‌ن را رقم زد، گفت: این منازعات قومی برای من دانش‌آموز کم‌سن در سال‌های ۵۷ و ۵۸ تلنگری حساس بود تا بررسی کنم چه می‌شود که مردمی با سابقه زیست اجتماعی و فرهنگ مشترک تاریخی، ناگهان به جان هم می‌افتند. این بود که شروع به کار و مطالعه روی مسئله اقوام در ایران کردم. هوشمند در این بخش از سخنان خود اشاره‌ای به درگیری‌های خونی‌ن در ۲۳ بهمن ۱۳۵۷ شهرستان قروه و درگیری خونی‌ن شهرستان نققه در آخر فروردین ۱۳۵۸ داشت.

او در ادامه سخنان خود به اقدامات سازمان سیا در موضوع مباحث قومی پرداخت و با ارائه سندی از بنیاد اندیشه دموکراسی در آمریکا بر تمرکز آمریکا نسبت به اقوام در ایران پرداخت. این سند نوشته‌ای با عنوان «ایران فقط فارس نیست» به قلم خانم برندا شفر، پژوهشگر اسرائیلی است که در مقدمه این نوشته به قلم یکی از افسران سازمان سیا و مدیر میز می‌تواند مطالعه خانم شفر را سفارش داده، آمده است که در دهه ۸۰ میلادی به‌عنوان افسر اطلاعاتی در سفارت آمریکا در ترکیه در میان باهندکن ایرانی حضور داشتم و متوجه شدم که ایران تنوع قومی دارد و باید روی آن کار و تمرکز کرد. او سپس گزارشی کوتاه از اقدامات سازمان سیا در این دوره ارائه می‌دهد. در متن نوشته خانم شفر هم به اقدامات سیا در دهه ۸۰ مسیحی اشاره بیشتری می‌شود. بنا بر قول این گزارش در دهه ۹۰ این فعالیت‌ها کم می‌شود؛ اما شفر می‌گوید پیشنهاد من این است که لازم ما دوباره باید برگردیم به همان بنیان‌های سابق و فعالیت‌های قبلی درباره اقوام ایرانی را راه‌اندازی و فعال کنیم. موضوع دیگری که هوشمند به آن پرداخت، تحولات و درگیری‌های کردستان در اوایل انقلاب است. او می‌گوید در روزهای اول انقلاب در آشفتنگی اوضاع کشور و پس از آغاز به کار دولت موقت در آن شرایط حساس و ملتهب و سرنوشت‌ساز استان کردستان یک ماه و چند روز بدون استاندارد بود و نهایتاً یک نویسنده به نام ابراهیم پونسی که فرد موجه و ادیبی بود؛ اما آمادگی لازم برای مواجهه با شرایط پیچیده استان کردستان را نداشت. از طرف دولت موقت نبود. در کنار این ناسیونالیسم نوعی ناسیونالیسم دموکراتیک هم شکل می‌دهد هیچ‌گونه طالبوف و مستشارالدوله و حتی میرزا ملکم‌خان. با تکوین انقلاب مشروطه نوع دوم ناسیونالیسم تقویت می‌شود و با تعدیل نوع اول و ادغام آن در نوع دوم و با گرفتن رنگ و بوی مذهبی نهفت مشروطه تولد می‌یابد. در ادبیات دوره مشروطه بحث‌های زیادی وجود ندارد و تمایلات قومی در تبریز و جاهای دیگر دیده نمی‌شود. همستگی همه ایران از شیراز و اسفهان و جاهای دیگر با تبریز و مقاومت آن بسیار کسترده است چراکه آخوندزاده ضد دین و البته متأثر از ناسیونالیسم نژادی اروپا نیز بود. ضد ترک نبود. در کنار این ناسیونالیسم نوعی ناسیونالیسم دموکراتیک هم شکل می‌گیرد که مانند طالبوف و مستشارالدوله و حتی میرزا ملکم‌خان. با تکوین انقلاب مشروطه نوع دوم ناسیونالیسم تقویت می‌شود و با تعدیل نوع اول و ادغام آن در نوع دوم و با گرفتن رنگ و بوی مذهبی نهفت مشروطه تولد می‌یابد. در ادبیات دوره مشروطه بحث‌های زیادی وجود ندارد و تمایلات قومی در تبریز و جاهای دیگر دیده نمی‌شود. همستگی همه ایران از شیراز و اسفهان و جاهای دیگر با تبریز و مقاومت آن بسیار کسترده است

و ما با ایران هم‌بسته رویه‌ها هستیم. جنبش مشروطه محصول تعدیل ناسیونالیسم نژادی و ادغام آن در ناسیونالیسم دموکراتیک بود. اینکه تصور شود هر قسمت ایران یک جزیره است، یک دروغ محض است. آنچه که دوباره ناسیونالیسم نژادی را مطرح می‌کند جنگ جهانی اول و تحولات و پیامدهای آن در اروپا و عثمانی است که دامنه آن به ایران نیز کشیده می‌شود.

صدری نیا گفت: مهم تحولات عثمانی برای فهم تحولات ایران مهم است. تحولات عثمانی اندکی پیش از جنگ جهانی اول بسیار مهم است. با شکل‌گیری پان‌ترکیسم که در روسیه و در بین تاتارها شکل می‌گیرد، یوسف آقچورا اوغلو در ۱۹۰۷ رساله‌ای تحت عنوان «اوج طرز سیاست» یعنی سه شکل سیاست را می‌نویسد. این جریان در عثمانی حدود ۸-۱۹ در مشروطه دوم که بعد از مشروطه ایران است قدرت می‌یابد اما همچنان پوشش پان‌اسلامیسم را حفظ می‌کند. علیرغم اینکه ایران عملاً با آلمان عثمانی همراهی می‌کرد اما رفتار عثمانی‌بان با ایرانیان در داخل کشور شرایط را تغییر می‌دهد. با شکست عثمانی در جنگ، کلسانی در استانبول دعوی‌های الحاق‌گرایانه مطرح می‌کنند و برخی مدعیات عجیب چون ادعای ارضی علیه آذربایجان و مدعیات تاریخی مانند ترک‌بودن اقوام مختلف از جمله مادها و ادعاهای نظیر اینکه زرتشت هم ترک بوده و امثال این‌گونه جعلیات طرح می‌شود.

صدری نیا در ادامه افزود: تحولات داخلی عثمانی پیش از جنگ جهانی اول ابتدا عثمانی‌گرایی سپس اسلاویسم‌گرایی یا پان‌اسلامیسم را در پی می‌آورد اما با شکست هر دوی این جریان‌ات پان‌ترکیسم زاده می‌شود. پان‌ترکیسم با حفظ ظاهر پان‌اسلامیسم خط خود را پیش می‌برد که در اسناد جنگ جهانی اول توسط آقای کاوه بیات چاپ شده. قضایای دخالت عثمانی در ایران آمده است که به تضاد و درگیری با مردم ایران می‌انجامد. صدری نیا گفت: تا مدتی همکاری و همدمی بین روشنفکران ایران و عثمانی وجود داشت اما بعد از جنگ جهانی اول این مسئله تغییر پیدا می‌کند. رشد پان‌ترکیسم منجر به واکنش ایرانیان شد که پاسخی به ناسیونالیسم نژادی استانبول بود و این واکنش متأثر از همان پان‌ترکیسم استانبول بود که رنگ نژادگرایانه داشت. با قدرت‌گیری دوباره ناسیونالیسم نژادی در ایران گرایش‌ات ترک‌هی هم بروز می‌کند یعنی علاوه بر وجه ضد عرب سابق این وجه هم بروز پیدا می‌کند. غلبه این گرایش در آذربایجان برخی تأثیرات منفی ایجاد می‌کند و بعدها پیشه‌وری با توجه به این زمینه و در اصل استالی‌ن و باقوف و سه نفر اصلی یعنی آتاکیشیف، میرزا ابراهیم‌اف و علی‌اف کارهای رفقه را پیش می‌برند.

صدری نیا با اشاره به نام تاریخی شمال رودخانه ارس گفت: آن سوی ارس هیچ وقت آذربایجان نشده است. در اسناد تاریخی مانند عهدنامه‌های گلستان و ترکمانچای و در متون تاریخی چنین چیزی نیامده است که شمال ارس، آذربایجان



کشور تاریخی ایران به صورت تاریخی ای میدانی دنبال عوض‌کردن نظام سیاسی آن هم گروهی با اسلحه رفتند. هرچند درباره ابعاد این موضوع یعنی دلایل ظهور و بروز و ابعاد جنگ مسلحانه نیز مطالعات لازم و عمیق و چندوجهی متنوعی صورت نگرفته است. ماجرای حزب خلق مسلمان در آذربایجان مثال خوبی است. کمتر کار جدی درباره آن صورت گرفته است، نه در دانشگاه پایان‌امه‌ای درخورتوجه درباره آن هست، نه کار تحقیقی نهادهای مستقل علمی!

احسان هوشمند در ادامه سخنان خود با نقل قول مطالبی از تاریخ‌نویسان دوره اسلامی درباره تاریخ ایران یک کشور تاریخی است. این ادعا که ایران ملت تاریخی است، وجوه مختلفی دارد. او از قول طبری گفت: دانشوران اخلاف خلاف ندارد که وی (کیومرث) پدر ایرانیان بوده؛ زیرا از اقوام منصوب به آدم (ع) جز ایشان قومی نبوده که مُلک‌شان دوام و اتصال یافته باشد و پادشاهان داشته باشند که فراهم‌شان آورد و در قبال دشمنان حمایت‌شان کند و بر پیکار جوانان چیره شود، مستمگر را از ستمکش بازدارد و به کارهایی وادارشان کند و مایه شوکت‌شان شود و پیوسته و دائم منظم باشند. به همین سبب تاریخ از روی زندگی ملوک ایشان درست‌تر و واضح‌تر است.

این هیفایت تاریخی و مشابه آن در دیگر منابع تاریخی دوره اسلامی بر قدیم‌بودن ایران تاکید دارد. در تاریخ یعقوبی وقتی بخش ایران آغاز می‌شود، وقتی به ایران می‌رسد، می‌گوید من آن چیزهایی را که از نظر یعقوبی عقلایی نیست، کنار گذاشتم. مثل طبری نیست. مانند اینکه یک آدم روی شاه‌اش مار بیرون بیاید (روایت ضحاک مارپوش) با عقل یعقوبی جور در نمی‌آید؛ اما به درد بحث امروز ما می‌خورد؛ یعنی ایرانیان حیات جمعی خود را با اسطوره‌های‌شان درآمیخته‌اند. این جهان تاریخی خاطره مشترک ما ایرانیان است. در تمام متون تاریخی مانند یعقوبی، طبری، مسعودی تا ابن طقطقی و ابن اثیر و دیگران، متون تاریخی یک روایتی از زندگی جمعی ایرانیان ارائه می‌دهد که خاطره جمعی مشترک ایرانیان را برجسته می‌کند؛ یعنی ایرانیان خاطره جمعی مشترکی دارند. جشن‌ها و سنت‌ها و مناسک از روایت درفش کابوایی تا اسطوره آرش کمان‌گیر بخشی از خاطره جمعی مشترک ایرانیان است. همین قطران تبریزی را که نگاه می‌کنیم، به‌عنوان یک در هزار، در جایی می‌گوید از تبریز تا بخارا، یعنی در ادب و فرهنگ و اشعار ما ایرانیان، ایران یک گستره است، به‌هم‌پیوسته و هم‌سرنوشت با تجربه و خاطره جمعی مشترک. ایران را از این‌طوری می‌فهمم؛ ایران یک جامعه تاریخی است.

هوشمند در ادامه گفت: این جامعه تاریخی یعنی ایران ما در قرن چهار دچار یک دگرگونی است. مهاجرین تازه‌ای وارد ایران می‌شوند. قرن چهارم از جنوب غربی ایران و از شبه‌جزیره چنده هزار نفر از طوایف عرب وارد ایران می‌شوند به قصد خراسان آن روز تا آسیای مرکزی؛ یعنی فرارودان. در این دوره همچنان بخشی از مازندران بعد از چهار قرن، سه قرن‌ونیم هنوز مسلمان نشده، آن‌طرف هم که جوامع ترک هستند که هنوز مسلمان نشده‌اند. ورود مهاجران عرب به‌گونه‌ای زیاد می‌شود که در این دوره با ایهام به خراسان عرب اشاره می‌شود؛ بنا بر گزارش‌های تاریخی انگیزه اصلی مهاجران عرب برای ورود به این مناطق کسب غنیمت بوده است. البته در بخشی از نقاط دیگر نیز مانند قم و حتی استان البرز و کرج امروز نیز اعراب به‌صورت گسترده‌ای وارد می‌شوند. در بخش شمال شرقی نیز اقوام ترک به درون فلات ایران سرازیر می‌شوند و از این دوره به بعد و در تحولات تاریخی دوره‌های بعدی دیک هم‌چوشان تاریخی در جای‌جای ایران به دره‌آمیختگی اجتماعی و فرهنگی بیشتر ایرانیان منجر می‌شود. یعنی مهاجرین عرب و ترک و دیگر ایرانیان در دوره‌ای هزارساله با هم ترکیب می‌شوند. احسان هوشمند در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به مهاجرت‌های تاریخی در کشور گفت درهرمتبذیکی اجتماعی در ایران بسیار گسترده و عمیق است و این روند همچنان با شدت استمرار دارد. او با اشاره به نمونه‌هایی از مهاجرت‌ها و تغییر زبان به استنادی ارائه‌گامشته شد. این انتخاب و رویدادهای بعدی نشان می‌دهد هیچ‌گونه آمادگی برای مواجهه با مسائل پیش‌رو در کردستان وجود نداشت؛ چراکه امر ملی و مسئله ملی موضوع دانش و دانشگاه و فعالان سیاسی و نویسندگان زیادی در ایران در آن دوران نبوده است و آگاهی و دانش کافی در این زمینه تولید نشده که همه اینها برمی‌گردد به ضعف دانش اجتماعی و فقر تاریخ‌اندیشی که باید کشانیده گره‌های یک جامعه تاریخی مانند ایران باشد.

هوشمند در ادامه سخنان خود گفت: در آن دوره مفاهیمی از سوی مترجمان علوم اجتماعی و علوم انسانی و نیز جریان‌های مارکسیستی-لنینیستی وارد ادبیات سیاسی ما شد، بی‌آنکه درباره نسبت این مفاهیم با تاریخ و فرهنگ و مناسبات اجتماعی ایرانیان اندیشیده شود؛ چراکه بخش بزرگی از مفاهیم دانش اجتماعی مدرن اروپا با تاریخ و مناسبات اجتماعی ما بیگانه است و بسیاری از این مفاهیم ارتباط چندانی به زیست تاریخی و مناسبات اجتماعی ما ایرانیان ندارند. این یک کشور تاریخی با زیست مشترک هزارانساله است. نمی‌توان ایران را روسیه و کشورهایمانند آن مقایسه کرد. روسیه کشوری است که حدود ۶۰۰ سال از شکل‌گیری جدی آن می‌گذرد. روسیه تزاری از اختلاط ملت‌های دور از هم و ناشنا با زیست اجتماعی یکدیگر و بدون پیوند تاریخی و همبستگی اجتماعی به‌عنوان امپراتوری نوظهور شکل گرفته است. پس از شکست روسیه از ژاپن در ۱۹۰۵ لنین برای همزیستی و در کنار هم قراردادن این گروه‌های قومی و حتی ملت‌های متفاوت که هرک تاریخ متفاوتی از دیگر نقاط داشته و فرهنگ‌های دور از هم داشتند، زیر نفوذ یک دولت نظریه مسئله ملی را مطرح کرد و استالی‌ن مامور تدوین آن شد. این نظریه در ۱۹۱۴ عرضه شد.

حزب کمونیست ایران در سال‌های بعد این مفهوم را وارد ادبیات سیاسی در ایران کرد. بدون توجه به واقعیت پیوندهای تاریخی عمیق ایرانیان، کمونیست‌های ایرانی، ایران را مانند روسیه کشوری کثیرالمله معرفی می‌کنند که با واقعیت تاریخی ایران مطابقت ندارد. تئوری‌های غربی مربوط به اقوام ایرانی هم چنین است و ما شاهد تطابق‌نداشتن بسیاری از آنها با حقیقه تاریخی ایران هستیم. امین‌مخکنکی و پیوند اقوام و طوایف و بخش‌های مختلف ایران چنان است که کمتر زمینه‌ای برای تئوری‌های وارداتی مانند مسئله ملی و سایر دیدگاه‌های غربی در این زمینه وجود دارد. مطامع دولت‌های همسایه و بیگانگان کم هم‌زای‌گردان مباحث قومی در ایران شد. این مسئله از اوایل قرن بیستم تا امروز همین‌گونه بوده است. آرمینیوس وامبری، یهودی مجارستانی، کارمند وزارت خارجه انگلیس، برای اولین بار در حدود ۱۸۶۴ پان‌ترکیسم را طرح کرده است که نگرانی بریتانیا از امنیت هندوستان بود؛ بنابراین به دنبال ایجاد شکاف و ناامنی و نفوذ در قلمرو آسیایی روسیه بود و پان‌ترکیسم از طریق تاتارهای کریمه مدنظر قرار گرفت؛ یعنی پان‌ترکیسم محصول سیاست انگلستان برای مهار روسیه تزاری است که بعدها اشکال دیگری به خود می‌گیرد.

هوشمند افزود با پندارهای ایدئولوژیک نمی‌توان به منافع ملی اندیشید. خانم آن لمبتون رابطه مالک و زارع و مناسبات زمین و زراعت را در ایران بررسی کرده است. او بخش بزرگی از آن را دیده و مطالعه کرده و بسیاری از منابع تاریخی ما را خوانده. بسیاری از روستاهای ایران را رفته و دیده؛ اما بسیاری از دانشگاهیان و نیروهای سیاسی ایران دنبال مبارزه سیاسی بودند و به جای فهم مناسبات تاریخی و اجتماعی



کارشناسی عمیق و گسترده‌ای است، مبدل به دستمایه‌ای برای ادعاهای بی‌بایه قوم‌گرایانه شده است.

هوشمند در بخش دیگری از سخنان خود با نقل مطالبی از سیدجعفر پیشه‌وری گفت: پیشه‌وری از فعالان سیاسی ایرانی است که از ابتدای فعالیت سیاسی هرچند تحت تأثیر مارکسیسم بود اما نهایتها موضع ضدایرانی نداشت بلکه با باح‌طلبان یا الحاق‌گرایان قفقازی مرز داشت. پیشه‌وری در باکو سردبیری آذربایجان جزء لانینگ ایران را بر عهده داشت و همین عنوان بیانگر مواضع این دوره از زندگی پیشه‌وری است. پیشه‌وری در یکی از مطالب این نشریه می‌گوید: آذربایجان روح ایران است، هم‌چنان‌که بدن بدون روح نمی‌تواند زندگی کند، روح بدون بدن هم به درد نمی‌خورد و نمی‌تواند زندگی کند. آذربایجان دست راست ایران است. بدن بدون دست باز هم به حال ناقص زندگی می‌کند ولی دست بدون بدن در هر حال نابود می‌شود. خلاصه مقنن‌های خوش‌خیال دستخوش افکار فاسده باید بدانند که فریب‌دادن آذربایجانی‌ها و آلت دست کردن آنان و لگدکوب‌کردن حیثیت تاریخی و شرف ملی‌شان به دست خودشان کار چندان آسانی نیز نیست. آذربایجانی‌تا آخرین نفس خود از شیر و خورشید ایران دفاع کرده تا می‌تواند برای جلب ملل بی‌نظم و نظام به زیر پرچم شیر و خورشید تلاش می‌کند… اولاد پرافتخار آذربایجان… در حقیقت مقصد اعاده روزهای پرشعشه ایران قدیم و احیای نوشریان و یکخسروهای سرفراز را تعقیب می‌کند والا آذربایجان جزء لانینگ ایران است. هوشمند پس از ارائه این نوشته از پیشه‌وری، با طرح پرسشی گفت از این نوشته پیشه‌وری چه چیزی برداشت می‌شود؟

او همچنین با ارائه مطالب دیگری از پیشه‌وری بر موضع ضدافراطی‌گری قومی پیشه‌وری تا سال ۱۳۲۴ تاکید کرد و نمونه‌هایی از مواضع پیشه‌وری را طرح کرد. از جمله اینکه پیشه‌وری در مرداد سال ۱۳۲۳ گفت: یکی از معضلات اساسی امروز ما ناتوانی حکومت مرکزی در ایران است و ما باید دولت مرکزی را تقویت و تحکیم کنیم. همچنین پیشه‌وری مدعی بود: ما باید ثابت کنیم که یک ملت زنده شایسته استقلال هستیم و تمام ترک‌زبانان، ارمنیان، آسوریان، زرتشتیان و کلمبی‌ها را که در این سرزمین ما با زندگی کرده و در سرنوشت آن با ما شریک‌اند از خود می‌دانیم. یعنی پیشه‌وری مباحث قومی را محل استقلال کشور می‌دانست. پیشه‌وری می‌گفت: تهران و تبریز از نقطه‌نظر ایرانی توفیر ندارد و تاکید می‌کرد: نزاع ترک و فارس بسیار خطرناک است. دعوی‌ات ترک و فارس و نظریه نژادی هیتلر -روزنبرگ هر دو از یک ریشه یعنی ارتجاع آب می‌خورد. این حرف‌ها به‌هیچ‌وجه به صرفه میهن ما نیست. محرکین و مبلغین آن دشمن ایران و استقلال آن هستند. باید دهان اینها را با منشت محکم بست که دیگر یارای سخن‌گفتن نداشته باشند. هوشمند در ادامه پرسید چه چیزی موجب شدت تا خلاف تمام دوران زندگی پیشه‌وری تا سال ۱۳۲۴، پیشه‌وری حاضر شود تا نقش یک واسطه برای پیشبرد سیاست‌های شوروی در ایران را بر عهده گیرد؟ یعنی به قول پژوهشگر برجسته آقای خسروپناه، پیشه‌وری ما مبدل به پیشه‌وری دیگران شود؟ چرا پیشه‌وری وارد این بازی بی‌فراجم و خطیر شد؟ چرا درباره تغییر موضع پیشه‌وری در دو سال آخر زندگی او پژوهش‌های جدی و مستند صورت گرفته است؟ به‌ویژه که امروزه اسناد شوروی سابق درباره دلایل تأسیس فرقه دموکرات آذربایجان تاخودوی منتشر و در دسترس است.

هوشمند در ادامه سخنان خود درباره شایعه استفاده ابزاری برخی نهادهای دولتی از بحث‌های قومی مانند تیم فوتبال تراکتورسازی در دهه گذشته گفت چرا فعالان سیاسی و گروه‌های سیاسی اصلاح‌طلب در آذربایجان درباره برخی حاشیه‌های ضدایرانی روی‌داده توسط گروهی اندک از افراطی‌ها یا عوامل مشکوک به‌صورت علنی به اتخاذ موضع نبرداختند؟ وقتی که تعدادی اندک با ریشه‌های مشکوک وابستگی اقدام به نصب بنر در صذیت با وحدت ملی کردند. چرا فعالان اصلاح‌طلب آذربایجان شرقی در برابر این گروه کم‌شمار موضع‌گیری شفاف نداشتند؟ آیا به پیامد این سکوت و بی‌تفاوتی توجه شد؟

همچنین هوشمند در پاسخ به پرسشی درباره بحث مس سوگونو در آذربایجان گفت ورود به چنین بحث‌هایی نشانگر کم‌توجهی به امر ملی است. اگر استدلال درباره مس سوگونو درست باشد، لاجرم نباید روزانه ده‌ها هزار بشکه نفت از جنوب غربی کشور به تبریز وارد شود تا در پالایشگاه تبریز مورداستفاده قرار گیرد و زمینه کار چنده‌هزار نفر را ایجاد کند. یا اینکه حدود نیمی از میزان آب شرب تبریز از سد شهید کاظمی تأمین می‌شود؛ اینک که موضوع آب اهمیت دودچندانی یافته این آب باید در محل مصرف شود و به تبریز منتقل نشود؟ این نوع سخنان در تعارض کامل با مصالح ملی و منافع ملی و همزیستی تاریخی ایرانیان است. هوشمند در بخش بعدی سخنان خود با اشاره به جایگاه اندیشمندان آذربایجانی در تاریخ معاصر ایران ابراز امیدواری کرد به‌زودی برای بررسی دیدگاه‌های دکتر جواد طباطبایی شاهد برگزاری مراسم درخوری در تبریز باشیم.

احسان هوشمند در بخش پایانی سخنان خود درباره ارزیابی چند دهه فعالیت قوم‌گرایی گروهی از نیروهای سیاسی در استان و نیز فعالیت‌های گروه‌های قوم‌گرای کردی از ماجرای فرقه دموکرات به رهبری پیشه‌وری و فرقه دموکرات در مهاباد تا امروز گفت پس از چند دهه وقت آن رسیدی از نظری دیدگر بررسی کرد که آورده است؛ و قیاسه این اقدامات و هزینه‌های تحمیلی قوم‌گرای برای مردمان این خطه و دیگر ایرانیان چه بوده است تا بتوان با رویکرد فایده - هزینه و رویکرد عقلایی به ارزیابی آن پرداخت.

برگ سبز خودرو سینا S1 رنگ سفید مدل ۱۴۰۲
به شماره پلاک ایران ۱۶- ۴۱۶- ۷۲ ی شماره
موتور 15/9947827M15 و شماره شاسی
25830125NAS85110025830125 به نام مهدی عزیزی
مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

کارت خودروپژو 206TU3 رنگ سفید روغنی مدل
۱۳۹۷ به شماره پلاک ایران ۶۶- ۷۶۳- ۹۸ و شماره موتور
182A0039460 و شماره شاسی
03EE0J564403NAAP03 به نام رضوان سلمان
زاده تأیید مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

آگهی دعوت به مجمع عمومی سرمایه گذاری مشترک بورسیران

از کلیه دارندگان واحدهای ممتاز، وکیل یا قائم مقام قانونی آن‌ها دعوت می گردد تا در جلسه مجمع این صندوق که در ساعت ۱۳:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۰۸/۰۶/۱۴۰۲ در محل تهران، خیابان ولیعصر، پایین تر از پارک ساعی، پلاک ۲۲۴۴ (برج نگین ساعی)، طبقه ۳، واحد۳۰۸ برگزار می گردد، حضور به هم رسانند.

دستور جلسه مجمع به شرح ذیل می باشد:

- تمدید دوره فعالیت صندوق**